



کوثر قرائی، دارنده مدال نقره مسابقات بین المللی پرتاب دیسک
خودش را برای رقابت های پارالمپیک آماده می کند

۵۰۴

با صبر امید را زنده کردم



رنگ عکس: نرجس شاکری / شهرآرا

خاطرات ۲۵ سال سکونت اکرم صالحی در سرافرازان
با اقلیم محله اش گره خورده است

زندگی شهری با چاشنی طبیعت

۶

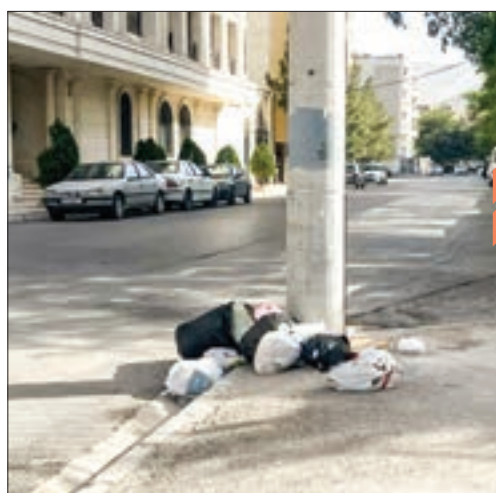


۲

اهالی سامانیه ۲۳
درخواست جانمایی مجدد باکس زباله را در معبرشان دارند
پخش شدن زباله ها در طول کوچه

۷

خانواده نعیمی ۶۲ سال است که
روز عاشورا نذر قدیمی شان را ادا می کنند
میراث شیرین «آقا جون»



اهالی سامانیه ۲۳
درخواست جانمایی مجدد باکس زباله را در معبرشان دارند

پخش شدن زباله ها در طول کوچه

باکس بود، زباله ها را در آن می انداختیم، اما در این دوسه ماهی که آن را برداشته اند، کنار خیابان و جلو خانه ها پرازیلاستیک زباله شده است.

در ادامه، علی لطفی در حالی از خانه خارج می شود که یک پلاستیک زباله در دست دارد و آن را در ماشین می گذارد. او می گوید: دوست ندارم جلودر خانه مان زباله باشد. آن هارامی گذارم در ماشین و هر جا باکس ببینم، در آن می اندازم، اما متأسفانه خیلی از همسایه ها رعایت نمی کنند و زباله هایشان را در خیابان می گذارند.

● همسایه ها نامه بیاورند، باکس را برمی گردانیم

موضوع را که با رئیس اداره خدمات شهری شهرداری منطقه ۹ مطرح می کنیم، می گوید: باکس زباله قبلی شاکی داشت و به همین علت برداشته شد. اکنون اگر همسایه های اطراف درخواست گذاشتن مجدد آن را دارند، یک نامه کتبی بنویسند و ضمن امضا و نوشتن پلاک های منازلشان، آن را تحویل دهند.

جواد کوهزاد ادامه می دهد: اگر ببینیم همسایه های اطراف ناراضی و شکایتی درباره وجود باکس زباله ندارند، دوباره آن را برایشان می گذاریم.

او تاکید می کند: شهروندان باید به ساعت جمع آوری زباله توجه داشته باشند و سر شب زباله هایشان را بیرون بگذارند تا همکاران ما آن ها را جمع آوری و از محل دور کنند.

او ادامه می دهد: شهروندانی که در طول روز پلاستیک زباله را مقابل خانه شان می گذارند، موجب نازیبایی و کثیفی محل زندگی خودشان می شوند که دور از اخلاق شهروندی است.

● باکس قبلی برای کسی مزاحمتی نداشت!

وجود این همه پلاستیک زباله، آن هم در نیمه روز، چهره این خیابان را نازیبا و بی نامطوبی رادر هوا پخش کرده است. چندین پلاستیک پاره شده در انتهای کوچه که زباله هایش به اطراف پخش شده وزیر چرخ خودروها به آسفالت چسبیده، حکایت از آن دارد که به تازگی گریه ای اینجا بوده است.

سمیرا صادقی که از سه سال پیش در این محل سکونت دارد، می گوید: از ابتدایی که ما آمديم، باکس زباله در انتهای میلان بود و همه زباله هایشان را در آن می ریختند، اما از وقتی آن را برداشته اند، همیشه خیابان و محل قبلی باکس پرازیلاستیک های زباله است و چهره کوچه مان رازش کرده است.

همسایه اش، مهناز بابلی، ادامه می دهد: چند بار به ۱۳۷ اعلام کردیم، اما در جواب پیامک می آید که باکس زباله قبلی شاکی داشته و برای همین برداشته شده است.

او می گوید: زباله هادر باکس باشند که بهتر است. نمی دانیم چه کسی شاکی بوده است. من که هر کدام از همسایه هارامی بینم، از این وضعیت ناراضی هستند. هر روز این همه پلاستیک زباله کنار خیابان است و موجب جمع شدن پشه و مگس و گریه می شود؛ به خصوص که باکس قبلی کنار زمین خالی بود و مزاحمتی برای کسی نداشت.

● همسایه ها رعایت نمی کنند

آنیسا شکرگزار که خودش در طبقات بالایی یکی از این خانه ها سکونت دارد، می افزاید: برای ما بالا و پایین رفتن از پله ها سخت است. هر وقت بخوایم از خانه خارج شویم، زباله هایمان را هم می آوریم. وقتی

فهیمة شهری احوالی ساعت ۱۲ راهی خیابان شهید صامی ۲۸ می شویم. در کوچه سامانیه ۲۳ جلودر بسیاری از منازل پلاستیک های زباله قرار دارد. از آن ناخوشایندتر، انتهای این کوچه است. کنار ستون، پلاستیک های متعدد زباله روی هم تلنبار شده است.

اینجاست که پیش یک باکس قرار داشت که ساکنان زباله هایشان را در آن می انداختند. اما از وقتی این باکس برداشته شده است، زباله ها در جای جای خیابان یا محل قبلی باکس رها می شوند.

هم قدم

۹

به همت شهرداری منطقه ۱۰ و پیگیری شهرآرامش محله انجام شد

نصب نشیمن در بوستان محلی



بازخورد

شهری اسوم اردیبهشت امسال بود که در شهرآرامش با مادر شهید علیرضا نوری گفت و گو کردیم. صغری خانم در پایان کلامش گفت: این پیغام من را به شهرداری منطقه ۱۰ برسانید که بوستان محلی کوچه شهید علیرضانوری ۹ دوتا نشیمن کم دارد. بالاینکه پارک سرسبزی است، جایی برای نشستن نیست. پس از انتقال این درخواست، معاونت فنی و اجرایی شهرداری منطقه ۱۰ درخواست این شهروند منطقه ما را اجابت کرد و در این بوستان محلی چندین نشیمن مناسب جانمایی شد.



تداوم عزاداری هادر منطقه ما



شهر خبر

۹

با آغاز ماه محرم، شهرداری منطقه ۹ در راستای ترویج فرهنگ عاشورایی، به سیاه پوش کردن معابر و میادین و ساختمان های اداری اقدام کرده است. در دهه اول محرم بیش از چهل مجوز رسمی برای برپایی ایستگاه صلواتی در منطقه صادر شده که از آن ها در قالب بن های فرهنگی حمایت شده است. فعالیت برخی از این ایستگاه های صلواتی در دهه دوم محرم هم ادامه خواهد داشت. همچنین برگزاری مراسم عزاداری در فضای باز با مشارکت هیئت های مذهبی و مساجد در نقاط مختلف منطقه در حال برگزاری است.

گل آرایی تابستانه معابر و میادین

بیش از ۱۷ هزار بوته گل در اجرای طرح گل کاری تابستانه در منطقه ۹ کاشته شده است. در این طرح که از او اسط اردیبهشت آغاز شده، از انواع گل های فصلی تابستانه مانند کوکب کوهی، اختر، جعفری، ابری، دکمه ای، تاج خروس و اطلسی در میدان ها و معابر اصلی استفاده شده است و پیش بینی می شود تا اواخر تیرماه در مجموع ۳۲۰ هزار بوته گل در منطقه کاشته شود. این طرح در راستای ارتقای کیفیت فضا های شهری و ایجاد محیطی شاداب و جذاب برای شهروندان انجام شده است.





اهالی خیابان ابرار از نیمه‌کاره ماندن بوستان خطی حاشیه بزرگراه امام علی (ع) گلایه دارند

اینجا باید مثل «آفتاب» باشد



رضاریاحی از ۱۰ سال پیش که ایده افزایش سرانه فضای سبز در منطقه ۱۰ اوج گرفت، بیشتر حاشیه بزرگراه امام علی (ع) حدفاصل بولوار امامیه تا خیابان آزاده به صورت بوستان خطی درآمد تا محیطی باشد برای قدم زدن و ورزش کردن اهالی و همچنین زیباسازی مناظر شهری. در این میان، حدفاصل بولوار شهید رفیعی و خیابان ابرار که پارسال درخت کاری شد و کف سازی واحداث باغچه هاهم به سرانجام رسید. اکنون به حال خودش رها شده و بیلا تکلیف مانده است. در نشست تیرماه شهردار منطقه ۱۰ در سامانه ۱۳۷، تعدادی از اهالی خیابان ابرار در تماشای خواستار رسیدگی به این فضای سبز شدند.

● برخی نهال ها را از ریشه کنده اند!

باتعدادی از اهالی خیابان ابرار در این بوستان خطی ملاقات می کنیم. چند درخت قدیمی، چند نهال یک ساله و کف سازی بوستان تنها چیزی است که به چشم می آید. اهالی معتقدند حالا که تا این مرحله از ساخت بوستان خطی پیش رفته است، شهرداری بقیه مراحل ساخت آن را نیز دست بگیرد.

سعید غلام نژاد به ما می گوید: بوستان خطی حاشیه بزرگراه امام علی (ع) در حدفاصل بولوار ادیب تا شاهد، بسیار دیدنی است. فضای سبز خوب، تجهیزات ورزشی و نشیمن و روشنایی مناسب دارد و خیلی از خانواده ها عصر که می شود به آنجا می روند. اسمش را هم گذاشته اند پارک آفتاب. به نظر من بوستان خطی حدفاصل بولوار ادیب تا خیابان ابرار هم می تواند مثل بوستان خطی آفتاب باشد.

او در ادامه به این موضوع اشاره می کند که از روز درخت کاری پارسال تعداد زیادی نهال در این محدوده کاشته اند. اما به دلیل رسیدگی نکردن، برخی از این نهال ها خشک شده اند و برخی دیگر را هم اهالی از ریشه کنده اند و برده اند!

● برای پارک شدن تجهیزات می خواهد

کمی در این فضای سبز نیمه کاره قدم می زنیم. اکبر ایمانی، یکی دیگر از این همسایه ها، خودش را به ما می رساند و می گوید: اینجا

برای اینکه به بوستان تبدیل شود، چیز زیادی نمی خواهد؛ تعدادی پایه چراغ، نشیمن و تجهیزاتی که اوقات فراغت شهروندان را پر کند، مانند تجهیزات بدن سازی یا میز شطرنج و پینگ پنگ. ایمانی ادامه می دهد: من چندین بار با سامانه ۱۳۷ درباره این فضای سبز نیمه کاره تماس گرفته ام، ولی پاسخ روشنی نداده اند. البته در اطراف خانه ما بوستان افرا قرار دارد و کار اهالی را راه می اندازد، اما چرا باید وقتی برای جایی هزینه شده و بخشی از کار هم پیش رفته است، به حال خودش رها شود؟

● بودجه ۴۰ میلیارد ریالی برای اتمام کار

شهردار منطقه ۱۰ پاسخگویی به اهالی را به بعد از بازدید از محل موکول می کند. وحید برجسته نژاد در تماس روز بعد شهرآرامحله این گونه پاسخ می دهد: تعدادی نهال در بوستان خطی حدفاصل بولوار رفیعی و خیابان ابرار از پارسال کاشته شده است و آبیاری آن ها منظم انجام می شود. فضا سازی باغچه ها و کف سازی بوستان هم انجام شده است و ادامه عملیات عمرانی آن هم امسال آغاز خواهد شد.

او توضیح می دهد: در آلبوم بودجه ای امسال مبلغ ۴۰ میلیارد ریال برای تکمیل این بوستان خطی پیش بینی شده است که پس از ابلاغ و انتخاب پیمانکار، مراحل اجرای آن آغاز می شود. برجسته نژاد بیان می کند: پایه چراغ و برخی اقلام دیگر در انبار موجود است و برای تهیه آن ها مشکلی وجود ندارد.

مردم و مسئولان منطقه مادر سامانه ۱۳۷

درخواست های مربوط به حوزه ترافیک

درخواست رسیدگی به لچکی ورودی خیابان حسابی جنوبی ۹، رفع مسدودی در ورودی بولوار شهید جراح به سمت پل چپ گرد حاج قربان (۲۲ تماس) و سامان دهی پارکینگ مقابل بازار ابریشم در میدان حجاب، موضوع چهار تماس شهروندان در حوزه ترافیک بود.

درخواست های شهروندان مربوط به حوزه شهرسازی

چهار شهروند درخواست رسیدگی به ساخت وسازهای غیرمجاز در خیابان های ادیب ۶/۴۷، پیامبر اعظم ۱۵، ۳۷، ۳۹ و بهدگانی ۱۷ را داشتند.

ریاحی او حیدر برجسته نژاد، شهردار منطقه ۱۰، همراه سعید میرسعیدی، معاون فنی و اجرایی شهرداری این منطقه، در هفته گذشته با حضور در مرکز ارتباط مردمی ۱۳۷، بدون واسطه و طی تماس تلفنی به مشکلات مردم پاسخ دادند. این گفت و گو حدود یک ساعت و نیم به طول انجامید.

درخواست های مربوط به حوزه فضای سبز

درخواست رسیدگی به نظافت بوستان محمدی در خیابان شریعتی ۵/۹، هرس درختان کاج در خیابان شهید فلاحی ۴۷، آبیاری درختان در بوستان پرستو، هرس درختان کاج در خیابان دکتر حسابی شمالی ۴۳/۱، بهسازی بوستان خطی حاشیه بزرگراه امام علی (ع) در حدفاصل بولوار رفیعی و خیابان ابرار، درخواست آبیاری فضای سبز خیابان شهید فلاحی ۱۳/۲، رسیدگی به فضای سبز بوستان محلی خیابان شهید فلاحی ۳۸/۹، رسیدگی به کنده کاری اداره آب و فاضلاب در بوستان مهور و رسیدگی به فضای سبز مجتمع بهارستان در خیابان حجاب ۸۹، درخواست اهالی در این حوزه بود.

درخواست های مربوط به حوزه خدمات شهری

رفت و روب خیابان مشکینی ۳۱، خطر حمله حیوانات وحشی مثل سگ و روباه در خیابان مشکینی، رسیدگی به زمین رها شده خیابان شهید هاشمی مهنه ۱۴ موضوع سه تماس تلفنی در این حوزه بود.

درخواست های مربوط به حوزه فرهنگی

خرید امکانات و تجهیزات فرهنگی و ورزشی برای مسجد حضرت حمزه سیدالشهدا (ع) تنها درخواست اهالی در حوزه فرهنگی بود.

شهرآرامحله پیگیری می کند

شهرآرامحله در هفته های آینده موضوع رسیدگی به کنده کاری اداره آب و فاضلاب در بوستان مهور و کنده کاری آسفالت نو در خیابان شهید فلاحی ۳۸/۲ را پیگیری خواهد کرد.

تعداد پیام های مردمی

۲۶ تماس

درخواست های مربوط به حوزه عمرانی

در این حوزه پنج تماس گرفته شد و شهروندان درخواست بهسازی آسفالت خیابان یوسفیه ۵، رسیدگی به مشکل کنده کاری آسفالت نو در خیابان شهید فلاحی ۳۸/۲، بهسازی آسفالت خیابان نهضت ۱/۲، درخواست روکش آسفالت خیابان شهید فلاحی ۱۳/۲ و لکه گیری آسفالت لاین کندرو بزرگراه پیامبر اعظم (ص) در حدفاصل پیامبر اعظم ۵۹ و ۶۱ را داشتند.



کوثر قرائی، دارنده مدال نقره مسابقات بین المللی پرتاب دیسک خودش را برای رقابت های پارالمپیک آماده می کند

۹



با صبر، امید را زنده کردم

زهرانگنه! پیش از آنکه صدای پایش ما را متوجه حضورش کند، تق تق عصای سفیدش در گوشمان می پیچد. کوله به دوش وارد رختکن می شود و چند دقیقه بعد بالباس ورزشی و در حالی که عصای سفیدش را کنار گذاشته است، به زمین برمی گردد تا مهبای ورزش شود. این قدر این مسیر را طی کرده است که بدون راهنما و همراه هم می تواند خودش را به جایگاه پرتاب دیسک برساند و تمرینش را آغاز کند. تصویری که ما از جایگاه تماشاگران ورزشگاه سعدآباد می بینیم، حرکات یک دختر قهرمان در زمین تمرین است که احتمالاً در آینده آدم های پرشماری روی سکوها به انتظار رقابتش خواهند نشست. او مانند یک فرقه در دایره ای به قطر ۵،۲ متر به چرخش درمی آید تا دیسک را از سر پنجه هایش به دورترین نقطه ممکن رها کند. کوثر قرائی دیپلمه علوم انسانی است که حالا از هر کاری دست کشیده است تا بتواند در عرصه داخلی نام خراسان رضوی را بر سر زبان ها بیندازد و در میدان های جهانی پرچم ایران را بالا نگه دارد. یک اتفاق و یک بیماری ناخواسته شوک بزرگی به کوثر و خانواده اش وارد کرده، اما او دانسته است که چطور باید خود را در این وضعیت به نوک قله موفقیت برساند. کسب مدال نقره در مسابقات بین المللی جایزه بزرگ فضا در امارات متحده عربی در رشته پرتاب دیسک معلولان ۱۴۰۳ شاهد این ادعاست.

وجود آورده و حالا باعث شده است که بینایی ام را از دست بدهم. حالا چشمان زیبای دختر محله کوثر فقط می تواند تاریکی و روشنائی را تشخیص بدهند، در حالی که هیچ وقت به چنین اتفاقی در زندگی فکر نکرده بود. حالا به این وضعیت عادت کرده است و همراهی پدر و مادرش را در این مسیر عامل اصلی می داند. او تعریف می کند: متأسفانه این روند خیلی سریع اتفاق افتاد و پزشکان به من گفتند راه درمانی وجود ندارد. پدر و مادرم کنارم بودند و از آن روز که بینایی ام را از دست دادم، تا امروز چهار سال می گذرد.

پدر و مادرم کنارم بودند

کوثر وقتی از یک دوره تلخ می گوید، از تقدیری می گوید که در برابرش مقاومتی نداشته است. سریع از آن گذشته و تلاش کرده است در موقعیت جدید خودش را پیدا کند و خیلی چیزها را از نو بسازد. همین روند هم سبب شده است تا او امروز موفق باشد و سربلند. کوثر تعریف می کند: من فرزند یک ازدواج فامیلی هستم. آن ازدواج یک بیماری ژنتیکی را در من به



از سرعت به قدرت

تقدیر کوثر خانم را با ورزش رقم زده اند. به همین دلیل بوده است که او در سال های تحصیلی همیشه پایه پای درس و مشق، در باشگاه ورزشی هم حاضر شده و شانس موفقیتش را در این فضاها جست و جو کرده است. خودش تعریف می کند: رشته دلخواهم تا پانزده سالگی تکواندو بود. به چند مسابقه استانی و منطقه ای هم رفته بودم و مدال گرفته بودم، ولی بعد از این وضعیت زندگی ام تغییر کرد. چون رشته تکواندو ویژه نابینایان، فعال نیست، به سمت دو و میدانی رفتم و ماده دو و ۴۰۰ متر را انتخاب کردم. کوثر قرائی مسیر موفقیت و قهرمانی در ماده ۴۰۰ متر را خیلی سریع طی کرد و از قهرمانی استان گرفته تا کسب طلای کشوری را در این رشته تجربه کرد. حتی شانس حضور در مسابقات آسیایی ۲۰۲۲ را داشت اما چون مدرک کلاس نابینایی بین المللی (مدرک پزشکی تأیید نابینایی) را اخذ نکرده بود، از این مسیر جاماند.

خودش می گوید: دویدن برای من با مشکلی بزرگ روبه رو بود. چون باید در مسابقات یک فرد همراه می داشتم که همراهم بدو و مسیر را طی کند. یا

وقتی تمرین می کردم، همیشه باید منتظر یک نفر می بودم که با من تمرین کند. به همین دلیل تصمیم گرفتم شانس را در یک ماده دیگر و پرتاب دیسک امتحان کنم. از روزی که کوثر تصمیم جدیدش را گرفته است، تا امروز چهارده ماه می گذرد. او از یک ماده سرعتی به یک ماده قدرتی آمده و اتفاقاً خیلی زود هم موفقیتش را در این رشته نشان داده است. کوثر قرائی تعریف می کند: روزی که در استعدادیابی ورزشی نابینایان در مشهد به من توصیه کردند به دو و میدانی بروم، مربیان و استعدادیابان در اولویت های بعدی، شانس موفقیت را برایم در پرتاب دیسک هم قائل بودند و به این دلیل وقتی با مشکلات دو و ۴۰۰ متر روبه رو شدم، به سمت پرتاب دیسک رفتم. دختر موفق منطقه مادر همین چهارده ماه کار با دیسک و حضور در میدان مسابقه، گوی سبقت را از رقیبانش ربوده و موفقیت های استانی، کشوری و بین المللی به دست آورده است. او روزهایش را در طول هفته به دو بخش زوج و فرد تقسیم کرده است. در روزهای زوج تمرین بدن سازی می کند و روزهای فرد را با تمرین پرتاب دیسک و تمرینات میدانی سپری می کند. این تلاش و پشتکار او در یک سال گذشته سبب شده است از قهرمانی در استان تا مدال کشوری را به دست آورد تا در ادامه طعم حضور در مسابقات بین المللی را بچشد.

۳۳ متری و ۲۰ سانتی متر برای اولین مدال بین المللی

از آن روزی که کوثر همه توان و انرژی اش را گذاشت پشت دیسک یک کیلویی و آن را در آسمان دبی به چرخش درآورد، چهار ماه می گذرد، اما شیرینی آن پرتاب و آن مدال هنوز با او همراه است. نشستن دیسک روی فاصله ۳۳،۲۰ متری نشان داد تمرین هایی که کوثر به بازوها، پاها و بدنش داده، کار خودش را کرده است و نتیجه اش هم شد نشستن مدال نقره در مسابقات بین المللی جایزه بزرگ فضا در امارات متحده عربی در رشته پرتاب دیسک معلولان ۱۴۰۳ برگردن کوثر. او تعریف می کند: این بهترین پرتاب من تا کنون بوده است و خدا کمک کرد تا من بهترین افتخارم را تا این زمان به دست بیاورم. او ادامه می دهد: یک اتفاق خوب دیگر مسابقات دبی این بود که توانستم مدرک کلاس بینایی بین المللی خود را هم به دست بیاورم تا از این به بعد برای مسابقات برون مرزی مشکلی نداشته باشم. کوثر با ثبت این رکورد یک اتفاق خوب انفرادی دیگر را رقم زد و خود را تا رتبه ۳ بانوان نایبانی پرتاب دیسک در سطح قاره کهن بالا کشید.

دورخیز به مقصد ناگویا و لس آنجلس

این روزها حسابی انرژی می گذارد تا بهترین فرمش را مهیای حضور در اردوهای بعدی رکوردگیری تیم ملی کند. او که در مراحل قبل پرتاب های خوبی داشته است، در پانزده روز آینده و سپس سه ماه بعد تر در رقابت های رکوردگیری شرکت می کند تا پیراهن تیم ملی کم بینایان و نایبانیان را به صورت قطعی به نام خود بزند؛ هر چند کارشناسان و مربیان پرتاب دیسک دختران معتقدند همین الان هم سهمیه او در تیم ملی رزرو شده است و این موضوع از اختلاف او با رقیبان نش نشئت می گیرد.

کوثر می گوید: مهم ترین هدف ورزشی من در سال های پیش راول حضور در مسابقات پارا آسیایی ناگویا در سال ۲۰۲۶ است و ان شاء... پس از موفقیت در آن مسابقات به حضور در پارالمپیک فکر می کنم. او اولین بانویی است که از استان خراسان رضوی در ده بزرگ سالان کم بینایان و نایبانیان در مسابقات بین المللی ماده پرتاب دیسک رشته دوومیدانی مدال نقره گرفته است. همین اتفاق خوب و پرتاب های خوبی که با دیسک دارد، سبب شده است تا همه اتفاق های خوشایند را در مسابقات بعدی برایش پیش بینی کنند.

سختی های پیش پای یک بانوی قهرمان

چالش ها و سختی های بخش جدایی ناپذیر زندگی همه ما و به خصوص ورزشکاران است؛ چالش هایی که از آن ها انسان های مصمم تری می سازد تا با انگیزه و اراده بیشتری سکوها های قهرمانی را تعقیب کنند. کوثر با وجود گلایه از نبود برخی امکانات، از میان این سختی ها راه موفقیت را برای خود پیدا کرده است. البته که تقاضایش جای خود دارد. او می گوید: بزرگ ترین دغدغه من برای آمدن به تمرین و ورزش، تردد در شهر و استفاده از وسایل حمل و نقل عمومی است. درست است که با آن کنار آمده ام، ولی سختی این کار تمام نشده است. بعضی روزها پدر و مادر مرا می آورند سر تمرین، ولی بیشتر روزها تنها هستم و با عصای سفیدم می آیم و می روم. کوثر از کمبود امکانات هم برای نایبانیان می گوید و اینکه باید خدمات بهتر و بیشتری ارائه شود. او توضیح می دهد: اولین موضوع این است که وقتی یک فضا را اختیار نایبانیان است، باید مناسب سازی شود. من بعضی وقت ها در تمرینات با وسایلی برخورد می کنم که خودش باعث مصدومیت می شود. در خیلی از وسایل تمرینی هم مانند دمبل کمبود داریم. به جز این ها من باید مرتب دوره ماساژ و استخر بروم که هزینه بر است و همه آن ها را خودم با حمایت پدر و مادرم پرداخت می کنم.

مدال تقدیم به کودکان فلسطینی

قلب او این روزها با یاد کودکان مظلوم فلسطین همراه است. لایه لایه موفقیت ها و احوال خوبی که سپری می کند، حواسش هست که دختران و پسران پاک سیرتی در گوشه و کنار این عالم هستی از ظلم و ستم رنج می برند و حال خوشی ندارند. به همین واسطه قصد کرده است تا مدال هایش را به کودکان فلسطینی تقدیم کند. کوثر تعریف می کند: من خیلی از این وضعیت اذیت می شوم و دوست دارم برای این بچه ها کاری کنم. این وضعیت نه برای کودکان فلسطین و نه برای هیچ بچه ای نباید رقم بخورد. ادامه می دهد: پس از مدال نقره مسابقات بین المللی امارات، این تصمیم را گرفتم و آن را اعلام کردم. نمی دانم به چه شکلی می توانم این مدال ها را تقدیم کودکان فلسطینی کنم؛ خود مدال را به دستشان برسانم یا عواید فروشش را؟ در هر صورت نیت من تقدیم مدال هایم به این بچه هاست که زندگی سختی دارند.

افتخارات در عرصه های ورزش:

مدال برنز دو ۴۰۰ متر قهرمانی کشور، کم بینایان و نایبانیان، بزرگ سالان ۱۴۰۱
مدال طلا دو صحرانوردی قهرمانی کشور، کم بینایان و نایبانیان، بزرگ سالان ۱۴۰۱
مدال طلای دو ۴۰۰ متر قهرمانی کشور، کم بینایان و نایبانیان، جوانان ۱۴۰۲
مدال طلای دو ۴۰۰ متر قهرمانی کشور، کم بینایان و نایبانیان، بزرگ سالان ۱۴۰۲
مدال طلای دو ۴۰۰ متر قهرمانی کشور، دانش آموزان کم بینا و نایبنا ۱۴۰۲
مدال طلای دو ۲۰۰ متر قهرمانی کشور، دانش آموزان کم بینا و نایبنا ۱۴۰۲
مدال طلا دو ۲۰۰ متر قهرمانی کشور، کم بینایان و نایبانیان، جوانان ۱۴۰۲
مدال نقره مسابقات بین المللی جایزه بزرگ فضا در امارات متحده عربی در رشته پرتاب دیسک معلولان ۱۴۰۳
مدال طلای استانی پرتاب دیسک، بزرگسالان و جوانان ۱۴۰۳
مدال طلای کم بینایان و نایبانیان بزرگ سالان قهرمانی کشور، در ماده پرتاب دیسک ۱۴۰۳

خبر درگوشی کسب مدال

پیش از هر اتفاقی و هر توصیه و همراهی ای، درخشش یک مدال در دل کوثر، امید، آرزو و بلندپروازی را در وجودش زنده کرد؛ جایی که او فهمید برای موفقیت ساخته شده است. آن روزان مدال و آن لحظه اعلام نفر برتر همیشه در ذهنش ماندگار است و خاطره متفاوتی برایش به حساب می آید. کوثر تعریف می کند: سال ۱۴۰۱ و چند ماه پس از شروع به کارم در ماده دو ۴۰۰ متر با موفقیت در استان راهی مسابقات کمتر از ۲۳ سال کشور شدم. این رقابت ها در سیرجان برگزار می شد و من هیچ تجربه مشابهی نداشتم. هیچ چیز برایم تعریف نشده بود. هیچ ذهنیتی نداشتم و فکر نمی کردم مدال بیاورم. در مسابقات نایبانیان هم اوضاع به گونه ای است که اصلاً متوجه نمی شوید رقیبان تنان چه رکوردی ثبت کرده اند و وضعیت خودتان چطور است. من هم رقابتیم را در فینال تمام کردم و هنوز نمی دانستم چه مدالی می گیرم و اصلاً شانس موفقیت دارم یا نه. یک باره یکی از برگزارکنندگان در فاصله نزدیکی در گوشم به من گفت که سوم شده ای. آن لحظه خیلی عجیب بود و همیشه در ذهنم هست و با آن تفکر و تجربه در همه مسابقات شرکت می کنم و همیشه منتظرم رتبه ام را بشنوم.

اراده از او یک قهرمان ساخته است

شاید درست ترین نظرو ذهنیت درباره کوثر قرائی را بتوان از زبان مربی ای شنید که بیش از یک سال است همیشه کنار اوست. زهره فرزین بقا ۱۰ سال است ورزشکار دوومیدانی است و پنج سال است که مربیگری هم می کند. او اعتقاد دارد بخت با او یار بوده است که شاگردش یکی از بهترین هاست. زهره خانم درباره کوثر می گوید: مهم ترین ویژگی اش این است که ناامید نمی شود. کمبود امکانات باشد، با مصدومیت درگیر شود یا هر مشکلی به وجود بیاید، او باز هم راه خودش را برای تمرین و موفقیت پیدا می کند. مربی کوثر ادامه می دهد: همه این حرکات و رفتارها از اراده قوی این دختر سرچشمه می گیرد و به همین دلیل است که وقتی از آینده او می پرسند، می گویم: او را در سکوی پارالمپیک لس آنجلس می بینم و به این حرفم باور دارم. او استعداد و فیزیکی دارد که اگر در همین مسیر استفاده شود، سال ها برای خودش و شهرمان افتخار آفرینی می کند. قهرمان سابق کشور در ماده پرتاب چکش، معتقد است باید توجه بیشتری به کوثرهای این شهر شود. او می گوید: یک سالن اختصاصی برای ورزشکاران نایبنا، آن هم خاص دوومیدانی، به رشد بیشتر کوثر کمک می کند و باعث می شود دغدغه هایش کمتر شود و با خیال راحت تری ورزش کند. این فضا باید برای همه ورزشکارانی از جنس کوثر فراهم باشد.

خاطرات ۲۵ سال سکونت اکرم صالحی در سرافرازان با اقلیم محله اش گره خورده است

زندگی شهری با چاشنی طبیعت



ایستگاه اول

فهمیده شهری ۲۵ سال پیش که اکرم صالحی در محله سرافرازان ساکن شد، از این همه آسایش نشینی و خیابان کنشی و بولوار نماز خبری نبود. انتهای بولوارهایی مانند سرافرازان روستاهای کوچکی بود که از گوشه و کنار آن ها چشمه های آب سرد می جوشید. حالا از آن ها جز خاطره چیزی باقی نمانده. ولی همین خاطره ها لذت همسایگی با کوه و طبیعت، اکرم خانم را پایبند این محل کرده است.

با او که در محله اش دور می زنیم، انگار همه خاطراتش با طبیعت گره خورده است؛ از ماری که به جای بند کفش در دست گرفته بود تا زلزله ای که آن ها را راهی بوستان وفا کرد.



● بجگی مادر همین کوه ها گذشت. پنج ساله بودم که داشتیم بازی می کردیم و من دم یک مار را به جای بند کفشم گرفتم و پس از حرکتش متوجه جریان شدم. از ترس چنان فرار کردم که پایم به سنگ گیر کرد و طوری زمین خوردم که سرم شکست.

● روبه روی مسجد حجت بن الحسن (عج) در دلاوران ۲۰ یک چشمه بود و کنارش یک درخت انجیر. دست هایمان که زگیل می زد، می آمدیم از درخت انجیر برگ برمی داشتیم و رویش می گذاشتیم. بعدها هم چشمه و هم درخت انجیر خشک شد، اما هنوز طعم شیرین انجیرهای سبزش زیر زبانم است.

ایستگاه دوم

ایستگاه سوم

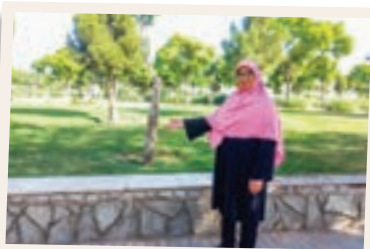
ایستگاه چهارم

● حدود سال ۱۳۸۹ در بوستان آزادگان (بین پایداری ۲ و ۴) جشنواره غذا گذاشته بودند. آن روز خانواده خودم و همسرم مهمان ما بودند. با کمک آن ها آش گندم درست کردم. وقتی داورها آن را مزه کردند، رتبه برتر را به من دادند و یک سکه پارسیان جایزه گرفتیم.



ایستگاه پنجم

● سال ۱۳۹۶ یک زلزله آمد و چون پس لرزه های زیادی داشت، با همسایه مان رفتیم بوستان وفا. از صدا و سیما که برای تهیه گزارش آمدند، گمان می کردند ناراحت و مضطرب باشیم. برخلاف تصورشان، ما از حضور در طبیعت لذت می بردیم و تا مدت ها بعد از آن، هر شب به بوستان وفا می رفتیم.



● هر سال سیزده بدر به کوه های آمدمیم. پانزده ساله بودم که پدرم یک جوجه رنگی برای من و خواهر کوچکم خرید. سیزده بدر را با جوجه مان رفتیم و حسابی با او خوش بودیم. فردایش که بیدار شدیم، دیدیم مرده است. نمی دانید چه عزایی برایش گرفتیم! از آن موقع دیگر دوست ندارم پرند و هیچ حیوانی در خانه داشته باشیم.



● از زمانی که آجرهای کتابخانه رضوی را در خیابان پایداری ۲ می چیدند، پیگیر افتتاحش بودم و اولین نفر، عضو آن شدم. از آن موقع تا کنون یکی از پاتوق های من این کتابخانه است و پایه اولیه بسیاری از اطلاعات زیست محیطی ام از طریق مطالعه کتاب های اینجاست.



ایستگاه ششم

خانواده نعیمی ۶۲ سال است که روز عاشورا نذر قدیمی شان را ادا می کنند

میراث شیرین «آقاجون»

۹



رباحی | خرداد سال ۱۳۴۲ بود که حاج غلامحسین نعیمی به همسرش، گوهرنشا خانم، گفت: «هوا خیلی گرم است. بیا دوتا کتری شربت درست کنیم و ببریم بین دسته های عزاداری.» همین پیشنهاد حاج غلامحسین می شود آغاز یک نذری خانوادگی که ۶۲ سال است ادامه دارد. هشت سالی است که حاج غلامحسین و همسرش از دنیا رفته اند، ولی وصیتشان هنوز پابرجاست و فرزندان شان از کوچک و بزرگ نگذاشته اند خواسته والدینشان روی زمین بماند. آن ها باتوان و قدرت بیشتری نذری شربت را ادامه می دهند؛ به طوری که حالا دوتا کتری جای خودش را به پانصد لیتر شربت شیرین و خنک داده است.

● شروع نذری با ۲ کتری شربت

حمید آقا پسر بزرگ خانواده نعیمی و ساکن محله آب و برق است. پدرش تابستان گرم سال ۱۳۴۲ را برایش اینطور تعریف کرده است. پنج ساله بودم که پدر مرحومم یک باره تصمیم گرفت از عزاداران ابا عدا...^(۲) با شربت پذیری کند. همین شد که با هم رفتیم سه کیلو شکر، یک مشت تخم شربتی، یک شیشه گلاب و چند پز عفران گرفتیم که حاصلش شد دو کتری شربت. حمید آقا می گوید: از آنجا که در خانه مان همیشه مهمان داشتیم، مرحوم مادرم دوتا کتری در انباری داشت و همان ها را آورد و داخلش را پر شربت کردیم. ماشین که نداشتیم. برای همین دوتا کتری را پدرم برداشت و چند تا لیوان هم به دست من دادند و رفتیم بین دسته های عزاداران و از آن ها با این شربت خنک و

شیرین پذیری کردیم.

در آن روز گرم مردم عزادار حسابی از این نذری حاج غلامحسین کیف کردند. همین شد که همان جا او به خانواده اش وصیت کرد: «این نذری هر سال باید ادامه داشته باشد؛ چه من باشم و چه نباشم.»

● همه اش لطف امام حسین (ع) است

مجید آقایی دیگر از پسران خانواده نعیمی است. او از سال ۱۳۵۰ پای ثابت نذری پدرش است و از سال ۱۳۶۲ همه امور درست کردن شربت را همراه با برادر بزرگ ترش بر عهده گرفته است. او توضیح می دهد: سال ۱۳۶۲ حمید آقا از خدمت سربازی برگشت. پدرم بازنشسته شده بود و دیگر خیلی وقت و حوصله قبل را نداشت، ولی اصرار داشت که نذری باید برقرار باشد. برای همین من و حمید آقا همه کارها را بر عهده گرفتیم و هر سال هم بر کمیت و

کیفیت نذری پدرمان اضافه کردیم. همین امسال به لطف آقا امام حسین^(ع) پانصد لیتر شربت درست کردیم که بتوانیم از تعداد بیشتری از عزاداران امام حسین^(ع) پذیری کنیم. آن های یک روز کامل مشغول بوده اند؛ از حل کردن شکر گرفته تا خیس کردن تخم شربتی ها.

● همه خانواده پای کارند

برای خانواده نعیمی حفظ میراث نذری حاج غلامحسین که همگی «آقاجون» صدایش می کردند، بسیار واجب است و نباید وصیت پدر و پدربزرگشان روی زمین بماند. برای همین در درست کردن شربت و توزیع آن خیلی از اعضای خانواده پای کار می آیند و دستی می رسانند. محمدنوه دختری حاج غلامحسین است که سی سال سن دارد. او که هر سال در توزیع شربت حضور دارد، می گوید: ظهر عاشورای امسال هوا خیلی گرم بود و خوش حالم که توانستم در نذری پدربزرگم حضور داشته باشم و کام عزاداران را شیرین کنیم. علی، سینا، مهدی، الینا و زادپدرنوه های خانواده هستند که همگی چند سالی است در این نذری خانوادگی حضور دارند. آن هایی که توانش را دارند، کتری به دست می گیرند و برای مردم شربت می ریزند. آن ها که کوچک تر هستند، لیوان یک بار مصرف بین عزاداران توزیع می کنند. الینا کلاس اول دبیرستان است و وزا هم کلاس سوم. هر دو شان در حال پخش لیوان هستند. الینا می گوید: این کاری است که از دست ما برمی آید. من تقریباً از پنج سال پیش هر سال در نذری شربت خانواده حضور داشته ام و سعی می کنم هر سال کنار پدربزرگم، حمید آقا، حضور داشته باشم.



نوجوان محله استاد یوسفی
بعد از درخشیدن در مسابقات کشوری، عازم حج شد

دقایق با ارزش زندگی

حضرت رقیه^(س) خیلی بی تابم می کند. در بسیاری از روضه های دیگر نیز سعی می کنم اسمی از این سه ساله بزرگوار بیاورم و یادش کنم. اما جدا از این، ارادت خاصی به حضرت علی^(ع) دارم. افتتاح نام این است که شیعه هستم و وقتی نام امیرالمؤمنین^(ع) را می برم، به خودم می بالم.

● مراسم بوده است که در آن مداحی کرده باشی و خیلی به دل خودت نشسته باشی؟

در روضه ها و محافل عمومی چون نمی توانم راحت گریه کنم، سبک نمی شوم، اما گاهی سه چهار نفری باقیه دوستان مداح و روضه خوان، برای خودمان روضه خصوصی می گیریم. این ها خیلی دل چسب است و سبکم می کند.

● خاطره ای در عرصه مداحی داری؟

پس از اینکه در مسابقات کشوری مقام آوردم، یک روز زنگ زدند و گفتند اسمم را برای سفر حج عمره رد کرده اند. در عرض چند روز کارهای گذرنامه ام را انجام دادم و بعدش خودم را در سرزمین وحی دیدم و شدم حاج ابوالفضل. بهترین خاطره عمرم همین بود. تک تک آن ساعت ها و دقیقه ها برایم ارزش داشت.

● به جز مداحی در عرصه های دیگری فعالیت داری؟

از سال ۱۴۰۰ دارم کاراته کار می کنم و پارسل مقام استانی آوردم. ولی در کل کاراته بیشتر برایم جنبه حفظ سلامتی دارد و دنبال قهرمانی در آن نیستم. خدا توفیق دهد که خدمتگزار ائمه^(ع) باشم.

● کلاس یا دوره ای

برای مداحی رفته ای؟

فقط موقعی که به مسابقات کشوری دعوت شدم، دارالقرآن مرکزی استان یک دوره آموزشی برایمان گذاشت. به جز این به هیچ کلاس دیگری نرفته ام.

● موقع مداحی برای

کدام یک از ائمه (ع) بیشتر تحت تأثیر قرار می گیری؟
در این ایام محرم و صفر روضه

فهیمة شهری | هفده سال بیشتر ندارد، اما آن قدر در عرصه مداحی درخشیده که مداح ثابت هیئت متوسلین به حضرت ولی عصر^(ع) است و در طول سال برای شان مداحی می کند. ابوالفضل خان چوپانی پارسال مقام سوم کشور در مسابقات قرآن، عترة و نماز آموزش و پرورش را به دست آورده است و تجربه مداحی در برنامه های مختلف آموزش و پرورش، آستان قدس و حرم رضوی را دارد. ماه محرم و صفر برای این دانش آموز محله استاد یوسفی ماه پرکاری است و هر روز از عصر تا پاسی از شب در محافل مختلف برای مداحی مجالس روضه امام حسین^(ع) حضور دارد.

● مداحی را از کی شروع کردی؟

از کلاس سوم دبستان. پیش از آن قاری بودم و در رشته قرائت مقام استانی دارم. چون نواهای حزن انگیز قرآن را خیلی خوب تلاوت می کردم، به مداحی رو آوردم.

● اولین مداحی ات چطور بود؟

هیئت متوسلین به حضرت علی^(ع) در همسایگی خانه مان بود و من در مراسم مختلفش حضور داشتم. یک بار در انتهای مراسم خواستم میکروفون را به من بدهند تا مداحی کنم. با وجود اینکه تعداد کمی در برنامه حضور داشتند، استرس زیادی داشتم. اما خدا را شکر خوب بود و این قدر همه از مداحی ام تعریف کردند که باعث شد دفعه های بعدی در حضور تعداد افراد بیشتری مداحی کنم.



۱۰



مرحوم حاج حسین غنچه از قدیمی‌های این
معبور بوده که در ساخت و ساز مسجد قدس، نقش
مهمی داشته و هیئت نورالثقلین رانیز او تأسیس
کرده است. اوسال‌ها همراه با حاج قاسم سلیمانی
در افغانستان و سوریه و عراق جنگیده است.

مسجد قدس سال ۱۳۶۰ به همت اهالی و خیران
محلی بنا شده است. در این مسجد، مهد قرآنی، پایگاه
بسیج خواهران و برادران و کلاس‌های تابستانی برای
اوقات فراغت دانش‌آموزان مهیاست.



معبور حسینیه‌ها

رضاریاحی‌اخیابان ارغوان در محله طالقانی قرار دارد. این معبور و محدوده اطراف آن در گذشته جزو
اراضی کشاورزی روستای «کلاته علی نقی» بود اما از سال ۱۳۵۵ به ارتشی‌ها واگذار شد و ساخت و ساز
در آن شکل گرفت. در این معبور، انواع کاربری‌های مذهبی، فضای سبز، آموزشی و تجاری وجود دارد؛
بالین حال، کاربری فرهنگی و مذهبی با وجود فعالیت مسجد قدس و حسینیه‌های «صراط‌الحسین (ع)»،
«صاحب‌الزمان (عج)» و «هیئت ابوالفضل خسر و جرد سبزوار» در آن دست بالا را دارد.



خیابان ارغوان
محله طالقانی



بوستان بزرگ یاس در خیابان ارغوان قرار
دارد. زمین ورزشی روباز، پارک بازی کودکان،
نشیمن و نور مناسب و مسیر پیاده روی از جمله
امکانات این بوستان محلی است.

دبستان دخترانه شهید غنچه و دبستان پسرانه
شهید رضا غیرتی در این معبور واقع شده است. اولی
سال ۱۳۶۳ تأسیس شده است و دومی در سال ۱۳۶۴.



از ۲۵ سال پیش، این خانه سه طبقه در خیابان
ارغوان به هیئت خسرو جردی‌های سبزوار تعلق دارد.
هر سال در دهه اول محرم صد نفر از این هیئت، خود
رابه مشهد می‌رسانند و برای ابا عید... (ع) عزاداری
می‌کنند. اسکان و پذیرایی از عزاداران در همین
محل انجام می‌شود.